



همه‌پرسی یک‌شنبه قدرت را در ترکیه متمرکز می‌کند

گام بلند به سمت نوعثمانی‌گری اردوغانی

سودای تغییر نظام سیاسی این کشور از پارلمانی به ریاستی بوده تا شخصاً قدرت را در دستان خود قبضه کند. او در حالی به سمت رفرا ندوم حرکت می‌کند که یک سال چالش‌برانگیز را در زندگی سیاسی خود پشت سر گذاشته است. از اتفاقات رخ داده در طول یک سال می‌توان به وقوع چندین حمله تروریستی، وخیم شدن روابط با اروپا و کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه اشاره کرد. قانون اساسی کنونی ترکیه در سال ۱۹۸۲ و پس از کودتای ۱۹۸۰ تدوین شده و نظام سیاسی حاکم بر این کشور را پارلمانی اعلام کرده است. اردوغان پارلمان را مانعی جدی برای رسیدن به رؤیاهای جاتطلبانه خود می‌داند و در پی نابودی قدرت این نهاد قانونی است. مخالفان معتقدند اردوغان قصد دارد سیستمی را ایجاد کند که هر زمان صلاح بداند بتواند پارلمان را منحل کند. اردوغانی که در یک دهه گذشته شعار دموکراتیزه کردن ترکیه، افزایش آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان و مطبوعات را سر می‌داد الان به یک قدرت تمامیت‌خواه و اقتدارگرایی تبدیل شده که هیچ انتقادی را برنمی‌تابد.

حذف نخست‌وزیری

از مهم‌ترین تغییرات قانون اساسی ترکیه حذف سمت نخست‌وزیری و تمام ارگان‌های وابسته سه آن و دادن اختیارات بسیار گسترده به رئیس‌جمهور است و بدین ترتیب قدرت به طور مستقیم در اختیار رئیس‌جمهور قرار می‌گیرد. با تغییر قانون اساسی از پارلمانی به ریاستی، قدرت قوه مجریه و شخص اردوغان به مراتب بیشتر از قبل خواهد شد و این مسئله به اردوغان این توانایی را می‌دهد تا به طور مستقیم و بدون نیاز به گرفتن رأی اعتماد از پارلمان وزرای خود را انتخاب کند و احتمال اینکه بسیاری از اقوام نزدیک رئیس‌جمهور در کابینه حضور داشته و دولت خانوادگی را تشکیل دهند، وجود دارد. همین موضوع می‌تواند زمینه را برای اقتدارگرایی محض در جامعه، تغییر بنیادی کند به زیرا دولت در مقابل هیچ نهاد دیگری پاسخگو نیست و رئیس‌جمهور با توجه به اینکه هیچ گروه اپوزیسیونی برای بازخواست سیاست‌های وی وجود ندارد با خیال راحت می‌تواند سیاست‌های اعلانی خود را عملی کند.

افزایش قدرت حزب حاکم

با تغییر قانون اساسی قدرت حزب حاکم عدالت و توسعه بیش از پیش افزایش خواهد یافت و تعداد اعضای پارلمان

سرانجام پس از چند ماه کشش و قوس و جدال‌های سیاسی، همه‌پرسی تغییر

قانون اساسی ترکیه به ایستگاه پایانی رسید و مردم این کشور یک‌شنبه در روز سرنوشته‌ساز و حساس، آئنده سیاسی کشور خود را رقم خواهند زد. این همه‌پرسی در صورت موفقیت نظام پارلمانی را به ریاستی تغییر می‌دهد و با افزایش قدرت و اختیارات،

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور به قدرت بلامنازع ترکیه تبدیل خواهد شد.

روز یک‌شنبه (۲۷ فروردین) شهروندان ترکیه به پای صندوق‌های رأی خواهند رفت تا اعلام کنند آیا موافق تغییر قانون اساسی و اعطای قدرت بیشتر به رجب طیب اردوغان یا با حفظ ساختار فعلی است. این همه‌پرسی در صورت تصویب، به موجب آن، رئیس‌جمهور به تنهایی تمام قدرت را در دست خواهد گرفت. این تغییرات، به عنوان یک گام بلند در جهت تقویت نقش رئیس‌جمهور و کاهش نفوذ پارلمان، به حساب می‌آید. این تغییرات، به موجب آن، رئیس‌جمهور به تنهایی تمام قدرت را در دست خواهد گرفت. این تغییرات، به عنوان یک گام بلند در جهت تقویت نقش رئیس‌جمهور و کاهش نفوذ پارلمان، به حساب می‌آید.

هرچند حزب جنبش ملی‌گرای ترکیه در پی تغییر قانون اساسی است و از رفرا ندوم حمایت می‌کند اما در سوی دیگر، حزب مردم‌جمهوریخواه و حزب دموکراتیک خلق‌ها طرفدار کردهای ترکیه مخالف این رفرا ندوم هستند و معتقدند این اقدام راه را برای دیکتاتوری هموار می‌کند و قدرت در دست رئیس‌جمهور قبضه خواهد شد. در صورتی که حزب حاکم عدالت و توسعه بتواند پیروزی در رفرا ندوم را از آن خود کند، اردوغان می‌تواند برای دو دوره متوالی پنج ساله به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود و با تغییر قانون اساسی و با احتساب اینکه انتخابات بعدی در سال ۲۰۱۹ برگزار می‌شود، تا سال ۲۰۲۹ در قدرت باقی بماند.

اردوغان در اگوست ۲۰۱۲ به عنوان نخستین رئیس‌جمهور ترکیه با رأی مستقیم مردم انتخاب شد و از آن زمان در

کزارش
دکتر سید رضا میرطاهر

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو پس از دیداری دوجانبه، بمباد پنج‌شنبه در یک کنفرانس خبری مشترک حضور یافتند. ترامپ در این کنفرانس، با عقب‌نشینی از اظهارات قبلی خود، تأکید کرد دیگر ناتو را سازمانی «منسوخ» نمی‌داند. استولتنبرگ دبیرکل ناتو نیز در این کنفرانس مطبوعاتی بر افزایش بودجه نظامی اعضای اروپایی ناتو تأکید کرد.

اتحادی

به نظر می‌رسد با گذشت زمان و کسب تجربه‌های بیشتر و نیز بر خورد با واقعیات، اکنون ترامپ در حال اصلاح مواضع قبلی خود به ویژه در زمینه ناتو است. ترامپ قبل از ورود به کاخ سفید بارها بر این مسئله تأکید کرده بود که ناتو سال‌ها پیش طراحی شده و سازمانی بسیار قدیمی و منسوخ محسوب می‌شود، به گونه‌ای که نمی‌تواند به تعهدات خود به نحو مطلوبی عمل کند.
بسا این حال وی دیدگاه خود را آشکارا تغییر داد و نه تنها دیگر این سازمان را منسوخ و قدیمی نمی‌داند، بلکه بر ضرورت وجود ناتو تأکید کرده است.
با این حال وی، همچنان بر خواسته اولیه خود یعنی افزایش بودجه نظامی اعضای اروپایی ناتو تأکید می‌ورزد. استولتنبرگ، دبیرکل ناتو نیز با توجه به سرشت پیش‌پا نیاپذیر بودن تحولات جهانی، و وجود ناتوی قدرتمند را هم برای اروپا و هم برای آمریکا مطلوب اروپایی کرده است. دبیرکل ناتو بر خواسته ترامپ برای افزایش بودجه دفاعی اعضای این پیمان در راستای کمک به این سازمان صحه گذاشته است. در واقع مهم‌ترین دغدغه دبیرکل ناتو و در واقع یکی از اهداف مهم سفر وی به واشنگتن بحث درباره چگونگی نیل به هدف مدنظر رئیس‌جمهور آمریکا یعنی افزایش سهم اعضای اروپایی ناتو در بودجه این سازمان و نیز افزایش بودجه نظامی متحدان اروپایی به ۲ درصد تولید ناخالص داخلی آنها است. با توجه به اینکه کشورهای ناتو متعهد شده‌اند تا ۲ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به امور نظامی اختصاص دهند، فقط

قضائیه را زیر سؤال می‌برد. اردوغان مدعی است فساد مالی و کودتای نافرجام سال گذشته ترکیه از سوی طرفداران گولن ترتیب داده شده است تا دولت اردوغان را سرنگون کنند. به گفته ناظران، اردوغان تلاش می‌کند بالاتر از مقام ریاست جمهوری برای خود یک مقام معنوی و رهبری تعریف کند و به نوعی با خلافتی که با مدرنیزه گره خورده برای خود جایگاهی خاص و معنوی تعریف کند و علاوه بر اینکه مردم ترکیه را با تصدی ریاست جمهوری هدایت کند بتواند در منطقه و بر برخی کشورهایی که قبلاً جزو امپراتوری عثمانی بودند اعمال نفوذ داشته باشد.

قدرت اجرای وضعیت فوق‌العاده

اردوغان که پس از کودتای نافرجام بارها برای افزایش تدابیر امنیتی در شهرهای ترکیه از پارلمان درخواست وضعیت فوق‌العاده کرده بود با تغییر قانون اساسی این اختیار را خواهد داشت تا شخصاً و در زمان قیام علیه کشور با اقدامات خشونت‌آمیز علیه ملت و خطر تجزیه کشور، وضعیت فوق‌العاده را برای مدت زمان طولانی اجرا کند. اعلام وضعیت فوق‌العاده در حال حاضر در اختیار پارلمان است و با تغییر قانون اساسی این اختیار به رئیس‌جمهور واگذار می‌شود و اردوغان که حضور کردها و گولنیست‌ها را تهدیدی برای امنیت ترکیه می‌داند، ممکن است همواره از این قانون برای رسیدن به امیال خود بهره جوید.

تشدید فشارها به کردها

یکی از مهم‌ترین تأثیرات تغییر قانون اساسی را به طور آشکار در نحوه مقابله دولت ترکیه با کردهای این کشور شاهد خواهیم بود. اردوغان که کردها و حزب کارگران کردستان «پ.ک.ک» را تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه می‌داند و از هر ابزاری برای مقابله با کردها استفاده می‌کند، با تغییر قانون اساسی به مراتب فشارها را بر کردها تشدید خواهد کرد. در حال حاضر تصدای از رهبران کرد که در پارلمان نماینده بودند از سوی اردوغان سلب مصونیت شده و دستگیر شدند و در زندان به سر می‌برند.

واگرایی بیشتر با اروپا

تغییر قانون اساسی و افزایش اختیارات ریاست جمهوری می‌تواند رؤیای عضویت ترکیه را در اتحادیه اروپا به سراب تبدیل کند. کودتای اخیر ترکیه و سرکوب و بازداشت‌های گسترده سیستم پلیسی اردوغان علیه کارمندان دولتی و حتی قضات عالی‌رتبه سبب دوری هر چه بیشتر اروپایی‌ها از انکارا شد و حتی در ماه‌های اخیر به تیرگی روابط ترکیه با تعدادی از کشورهای اروپایی و جنگ لفظی بین مقامات دو طرف انجامید. ناچایی که اردوغان اتحادیه اروپا را به فاشیسم و نژادپرستی متهم کرد، پس با این وجود، افزایش اختیارات اردوغان که به گفته اروپایی‌ها می‌تواند نقض حقوق بشر و آزادی بیان و مطبوعات در ترکیه را تشدید کند مانع بزرگی برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نخواهد بود و تلاش‌های اردوغان برای رسیدن به این رؤیای چند دهه‌ای به یأس بدل خواهد شد. اگر اردوغان در همه‌پرسی دیگر استانداردهای دموکراتیک مورد نیاز برای پیوستن به

اتحادیه اروپا احیا نخواهد شد.

جمع‌بندی

همه نگاه‌ها به روز ۱۷ آوریل خواهد بود تا ببینند اردوغان و حزب حاکم عدالت و توسعه موفق خواهند شد تا نتیجه همه‌پرسی را به نفع خود رقم زنند و با تغییر قانون اساسی و تبدیل نظام پارلمانی به ریاستی قدرت و اختیارات ریاست جمهوری را افزایش دهند. با شناختی که از اردوغان داریم پیش‌بینی می‌شود وی توانایی همسرانازی اکثر مردم ترکیه را با استفاده از فضای بحرانی حاکم بر این کشور دارد و در صورتی که احزاب مخالف نتوانند با فشارسازی علیه این همه‌پرسی، افکار عمومی را نسبت به نیت اردوغان آگاه کنند، تغییر قانون اساسی همچنانکه در پارلمان این کشور رأی آورد در رفرا ندوم روز یک‌شنبه نیز رأی خواهد آورد و از این پس نظام ریاستی در ترکیه حاکم خواهد شد و اردوغان با قبضه کردن همه اختیارات سیاسی و قضایی قدرت بلامنازع این کشور خواهد شد و مسیر برای احیای امپراتوری نوعثمانی وی و ایجاد سیستم استبدادی برای سرکوب مخالفان داخلی هموارتر خواهد شد.

اقدامات غیرقانونی مسکو در باره اوکراین از جمله الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه پافشاری می‌کنند، بلکه آمریکا به عنوان مهم‌ترین عضو ناتو نیز رویکردی مشابه شرکای اروپایی خود در این زمینه در پیش گرفته است. در این راستا کریس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا در نشست اخیر وزرای خارجه ناتو شددیدا از سیاست‌های «هاجمی» روسیه در اوکراین در دیگر نقاط جهان به‌ویژه در شرق اروپا» انتقاد کرد. وزارت امور خارجه روسیه هم به صدور بیانات‌های اظهارات تیلرسون در نشست بروکسل که سیاست‌های روسیه را تشن آفرین خوانده بود، غیرقابل قبول دانست. روس‌ها انتظار داشتند دولت جدید آمریکا که همواره نوید سختی در روابط متقابل داشته است با این حال استولتنبرگ رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر گفته بود که خواهان بازبینی مناسبات آمریکا با روسیه است. در واقع رویکرد کنونی ناتو را می‌توان تأکید بر ادامه مقابله با روسیه و اتخاذ اقدامات نظامی بیشتر به ویژه در شرق اروپا برای خنثی کردن طرح‌های احتمالی مسکو در این منطقه حساس دانست. به ویژه اینکه اعضای شرقی ناتو مانند جمهوری‌ها سه‌گانه بالتیک و کشورهای اروپای شرقی این جمع‌بندی را به‌روسیه شده‌اند. ناتو علاوه بر استقرار تجهیزات نظامی در این چهار کشور، هزاران نظامی نیز به این کشورها اعزام کرده است. انتظار می‌رود در نشست سران ناتو که ۲۵ و ۲۰۱۷ در بروکسل برگزار خواهد شد اقدامات بیشتری در این زمینه صورت گیرد. مقامات روسیه بارها هشدار داده‌اند افزایش تحرکات ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه شرایطی را ایجاد می‌کند که احتمال رقابت تسلیحاتی و افزایش رویارویی دو طرف را به دنبال خواهد داشت اما اکنون با تغییر آشکار دیدگاه ترامپ در قبال ناتو می‌توان حدس زد که بر نارضایتی مسکو از ترامپ افزوده خواهد شد، به ویژه اینکه اکنون مسکو و واشنگتن در گیر جدال سختی در صحنه شورای امنیت برای به کرسی نشاندن دیدگاه خود در باره تحولات اخیر سوریه هستند.

موشک پرانی ترامپ به رابطه با پوتین

سیدرحیم لاری

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین، هنگام ورودر کس تیلرسون، وزیر خارجه امریکا به مسکو گفته بود که قرار نیست تیلرسون با رئیس‌جمهور روسیه دیداری داشته باشد اما وزیر خارجه امریکا توناستد در کمتر از ۲۴ ساعت با پوتین دیدار کند آن هم با حضور پسکوف و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه. این اتفاق می‌تواند ناشی از عقب‌نشینی یا دست‌کم تجدید نظر روس‌ها در نحوه برخورد با وزیر خارجه امریکا باشد یا قدرت چانه‌زنی تیلرسون که به دلیل تجربه طولانی مرادوه با روس‌ها خوب می‌داند از چه راهی با آنها وارد گفت‌وگو شود تا جواز دیدار با پوتین را به دست آورد. در هر صورت، دیدار تیلرسون با پوتین آن هم در جو پر تنش بعد از موشک‌پرانی ترامپ به سوریه در روز جمعه هفتم آوریل اهمیت قابل توجهی دارد. چنانکه لاوروف گفته روسیه می‌خواهد از یک طرف اهداف واقعی امریکا در سوریه را بداند و از سوی دیگر، این اطمینان را به دست آورد که امریکا دیگر بعد از این دست به موشک‌پرانی به سوریه نخواهد زد. به نظر می‌رسد بررسی این دو موضوع یا حتی دادن تذکرات جدی به تیلرسون منظور اصلی دادن جواز دیدار با پوتین به وزیر خارجه امریکا باشد تا مسکو بعد از چندماه تحمل رفتار کج‌دار و مرزب ترامپ، تکلیف خود را با او بر سر سوریه مشخص کند. تعیین تکلیف با ترامپ می‌تواند چشم‌انداز نحوه تعامل با او را برای پوتین مشخص کند، چراکه پوتین احساس می‌کند تعامل با ترامپ به‌خصوص بعد از فرمایش برای شلیک موشک‌ها به سوریه به شدت تخریب شده است.

موشک‌پرانی بدون پشتوانه حقوقی

دونالد ترامپ و دیگر مقام‌های آمریکایی و از جمله همین تیلرسون با ادبیاتی تند علیه نظام سوریه و شخص بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه سعی در توجیه موشک‌پرانی هفتم آوریل داشتند تا آنجا که مقایسه‌شان اسپایسر، سخنگوی کاخ سفید، بین هیتلر و اسد نه تنها باعث در سدر او و عذرخواهی‌اش شد، بلکه میزان اندک اطلاعات عمومی او را هم نشان داد. این تحوادبیات بیشتر از آنکه پیگیر موضع سیاسی واشنگتن باشد برای پر کردن خلأ حقوقی بود که با موشک‌پرانی به سوریه ایجاد شده بود. در واقع، ترامپ بدون داشتن مجوزی از سوی شورای امنیت و حتی کنگره خود امریکا فرمان شلیک موشک‌های تام‌هاوک به سوریه را صادر کرده بود و به این ترتیب، فرمان او هم از جهت حقوق و قوانین بین‌الملل و هم قوانین داخلی امریکا وجهت و مشروعیت لازم را نداشت. هر چند مقام‌های عمده غربی مثل بوریس جانسون، وزیر خارجه بریتانیا به هر نحو که شده سعی در توجیه موشک‌پرانی ترامپ داشته‌اند اما اعتراف دیدیه رندرز، وزیر خارجه بلژیک، به زیر پا گذاشتن چارچوب بین‌المللی توسط ترامپ، دست کم نشان داد که این دست توجیهات حتی در اروپا هم چندان قابل قبول نیست. به همین جهت است که روس‌ها صراحتاً مثلث امریکا، بریتانیا و فرانسه را برای تصویب قطعنامه پیشنه‌دای خود در شورای امنیت رفرا ند امریکایی‌ها و متحدان اروپایی‌اش برای حل مشکل حقوقی موشک‌پرانی هفتم آوریل می‌دانند. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، ارائه پیش‌نویس قطعنامه به شورای امنیت را از همین منظر تحلیل کرده و از گفته‌های او برمی‌آید که روس‌ها با استفاده از حق وتوی خود قصد دادن امتیازی به امریکا و متحدانش را ندارند. این اتفاقی بود که در ساعات پایانی روز چهارشنبه ۱۲ آوریل پیش آمد و روسیه با استفاده از حق وتوی خود دومین پیش‌نویس این مثلث را در شورای امنیت ناکام گذاشت. روسیه با وتوی این پیش‌نویس نه تنها امتیازی به امریکا برای مشروعیت‌بخشی به آن موشک‌پرانی نداد، بلکه سعی دارد تا انگذار برای موشک‌پرانی مبدل به تاکتیک نظامی جدید امریکا در صحنه سوریه شود.

تاکتیک نظامی جدید

پوتین در مصاحبه اخیر از دو گزینه برای تحلیل انفجار شیمیایی در خان شیخون گفته که یکی تحریک صحنه‌سازی شده و دیگری حمله به مکان مخفی برای تولید سلاح شیمیایی مرگبار است اما در هر صورت تأکید کرده که «همی‌توان اجازه داد بدون بررسی و تحقیق اقدامی علیه دولت و مقامات سوریه انجام داد.» او از قبل صورت در برابر وجه تهاجمی ترامپ ایستاده با این تصور که موشک‌پرانی روز هفتم آوریل یک برنامه از قبل طراحی شده امریکا است که از دو وجه انفجار شیمیایی و فضای آتاه‌زنی علیه دولت سوریه به باحالت نظامی امریکا به مواضع ارتش سوریه تشکیل شده است. سرگئی رودسکوی، رئیس اداره عملیات مرکزی ستاد مشترک ارتش روسیه، نه تنها ارتکاران این ستارو می‌گوید بلکه بر اساس اطلاعات به دست آمده مراکز مورد نظر تروریست‌ها برای اجرای این ستارو را هم مشخص می‌کند که عبارتند از خان شیخون، فرودگاه العجیر، منطقه شرقی و غرب حلب، روسدکوی و حمل مواد قسیمی این مناطق توسط تروریست‌های نوید تا با انفجار آن مواد بهانه‌هایی برای متهم کردن دولت سوریه به دست امریکایی‌ها و موشک‌پرانی‌های آنها بدهند. این یک تاکتیک نظامی جدید ا همکاری محسوس گروه‌های تروریستی با امریکایی‌هاست که در جهت مقابله با موفقیت‌های ارتش سوریه و تأثیرگذاری در روند مذاکرات صلح طراحی شده است. در واقع،



امریکا باید برای نجات گروه‌های تروریستی بعد از شکست آنها در حلب و عقب‌نشینی به سمت استان ادلب کاری می‌کرد اما مسائل و مشکلات متعدد در هفته‌های نخست ریاست جمهوری ترامپ باعث شده بود تا نه فرصت و نه امکان اقدامی مؤثر در سوریه داشته باشد. علاوه بر این مسائل، روسیه با همکاری ایران و جهت ابتکار عمل مذاکرات صلح را به دست گرفته و به دور از حضور امریکایی‌ها و متحدان اروپایی‌اش موفق شده بود تا نمایندگان دولت و مخالفان مسلح را زیر یک سقف در آستانه و ژنو جمع کند. ضعف گروه‌های تروریستی و این ابتکار عمل روسیه به‌طور کلی امریکا را در پرونده سوریه به حاشیه رانده است و حالا ترامپ با این تاکتیک جدید سعی می‌کند تا دوباره به متن این پرونده بازگردد و به همین جهت است که حالانکی هبلی، نماینده دائم امریکا در سازمان ملل یا اج آرک‌مستر، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، از برکناری بشار اسد می‌گویند. این نحو بازگشت امریکا به متن تنها با تکرار این تاکتیک نظامی ممکن است، چراکه نه گروه‌های تروریستی آن توان نظامی لازم برای بازگشت موفقیت‌آمیز به میدان جنگ را دارند و نه امریکا حاضر است از سربازان خود مایه بگذارد.

مقابله نظامی-سیاسی

روشن است که پوتین این تاکتیک نظامی امریکا را علیه هر آنچه می‌داند که تا کنون در سوریه رشته و به دنبال راه مقابله با آن در دو مسیر سیاسی و نظامی است. در مسیر سیاسی، مسئله اصلی در مشروعیت‌بخشی به این تاکتیک است، که روسیه تا اینجاسعی داشته با استفاده از حق وتوی خود مانع از مشروعیت‌بخشی به آن شود تا دست‌کم، امریکا نتواند از پشتوانه این شورای امنیت نا خیال راحت این تاکتیک خود را تکرار کند. بی‌تجربگی ترامپ در عرصه بین‌المللی و عدم آشنایی او با قواعد بازی در این عرصه باعث شد تا او برای شلیک موشک‌هایش به سوریه بی‌گدار به آب بزند و همین هم کار پوتین را راحت کرد تا به‌ا اجازه ندهد حتی با دو متن پیش‌نویس در شورای امنیت هم کمترین شانس برای مشروعیت دادن به موشک‌پرانی‌اش داشته باشد. پوتین با وتوی این پیش‌نویس‌ها در عمل مقابل ترامپ ایستاده و استقبال سرداز وزیر خارجه ترامپ در مسکو هم مزید بر این تقابل شده است. شاید پوتین با دادن اجازه ملاقات به تیلرسون خواسته تا تمام ارتباطات با ترامپ را یکسره قطع نکند اما از اظهارات پسکوف و لاوروف چنین برمی‌آید که پوتین با تیلرسون گفت‌وگوی بی‌برده‌ای داشته است. در واقع، این ملاقات را می‌توان به عنوان اتمام حجت پوتین برای ترامپ دانست چنانکه لاوروف از تلاش مسکو برای درک نیت واقعی امریکا در سوریه می‌گوید. مجموعه این نحو تحرک سیاسی پوتین را باید در قالب گفته‌ها و ازبایی کرد که رابطه با امریکا را در این مدت از ریاست جمهوری ترامپ نسبت به قبل از این و زمان ریاست جمهوری باراک اوباما بدتر دانسته بود. حالا مسئله این است که‌ااگ ترامپ بخواهد تاکتیک خود را ادامه دهد و در یک هماهنگی با موشک‌پرانی‌اش اقدامات ارتش سوریه به دست پوتین تنها به مقابله بکشد، کتفا خواهد کرد یا دست به مقابله نظامی خواهد زد. ژنرال ایگور کونوشکوف، سخنگوی وزارت دفاع روسیه بعد از موشک‌پرانی هفتم آوریل گفت مسکو قصد تقویت دفاع هوایی سوریه را در برابر حملات هوایی امریکا دارد تا از حساس‌ترین زیرساخت‌های روسیه محافظت شود. وی تعلیق همکاری هوایی بین روسیه و امریکا را گام دیگر پوتین در برابر موشک‌پرانی‌های احتمالی بعدی دانست که در مجموعه تقابل نظامی او با تاکتیک امریکا قرار می‌گیرد و باعث شده است برای مثال بلژیک از ادامه همکاری با ائتلاف امریکایی در سوریه خودداری کند. این اقدامات هر چند به معنای تقابل مستقیم پوتین با ترامپ نیست، اما باعث شده است همان مقدار از حساس‌ترین محدود بین روسیه و امریکا در سوریه هم متوقف شود. پوتین به این وسیله هزینه جاه‌طلبی نظامی را برای ترامپ بالا برده تا با خیال راحت فرمان شلیک موشک‌هایش را به سوریه صادر نکند. پوتین در این دو مسیر سیاسی و نظامی به صورت مشخص در برابر ترامپ قرار گرفته تا به‌او یاد دهد موشک‌پرانی‌های او تنها چند آشیانه جنگنده را در پایگاه هوایی شعیرات تخریب نکرده، بلکه این موشک‌ها رابطه نه چندان خوب بین روسیه و امریکا را خراب‌تر از قبل کرده و شاید او این نکته را به تیلرسون متذکر شده تا به‌گوش ترامپ برساند.